

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ جولای ۲۰۱۸

## آمدن "دوستم"، غیبت "گلبدین" و پرتاب چند راکت

چهارشنبه- ۰۳ اسد ۱۳۹۷ - کابل: به این سه موضوع با دقت برخورد نمائید:

۱- بعد از ۱۴ ماه تبعید، "دوستم" اجازه می یابد تا مجدداً وارد افغانستان و کابل شده، بر روی فرش قرمز از وی پذیرائی به عمل آید.

۲- از ورود "دوستم" به کابل بدین سو، نه تنها اعضای "باند ارگ" حفقان می گیرند و صدائی از آنها بیرون نمی شود، بلکه "گلبدین" نیز در کنار سکوت، مفقود هم می گردد.

۳- دو روز بعد از رسیدن "دوستم" به کابل و غیبت "گلبدین"، مجدداً راکت زنی بالای شهر کابل آغاز می یابد.

حال بیائید بر اساس اخبار سرچوک رابطه دیالکتیکی این موضوعات را با یک دیگر بررسی نمائیم:

۱- قسمی که گفته می شود، زمانی که از طرف امپریالیسم امریکا تطبیق نقشه های بعدی آن قدرت در آسیای میانه بر دوش "گلبدین" گذاشته شد تا از غیبت و فرار دست برداشته، در چوکات و تحت نفوذ دولت دست نشانده، خدماتش را تقدیم امپریالیسم امریکا نماید، یکی از پیش شرط های، "گلبدین" جهت پذیرفتن آن وظیفه، حذف فزیک و حد اقل اخراج "دوستم" از افغانستان بود.

"غنی احمدزی" که در تمام این پروسه، مسؤلیت پذیرش بدنامی های احتمالی و محتوم را داشت و دارد، جهت اجرای این خواست "گلبدین"، به کمک خودش در عقب "سوراخ ایشچی" خود را پنهان نموده، "دوستم" معاون و کسی را که بیشترین فرصت را در رسیدن به ریاست جمهوری برایش آماده ساخته بود فدای ناز و خیره "گلبدین" نموده، "دوستم" را تبعید نمود.

۲- در تمام مدتی که از این طرف و آن طرف آوازه ها وجود داشت که گویا "دوستم" بر می گردد و یا باید برگردد، موضع "گلبدین" بسیار روشن و محکم بود. یعنی "هرگاه دوستم بیاید، من نه تنها نیستم بلکه به چهار آسیاب رفته، از آنجا با زبان راکت با شما "کافران" سخن خواهم گفت"، مطلبی بود که "گلبدین" به "غنی" و اشغالگران امریکائی می گفت.

۳- جرقه دستگیری "قیصاری" و حریق برخاسته از آن که به صد ها هزار و حتا با زبان مبالغه بالقوه و بالفعل میلیونها انسان را در تمام ولایات شمال هندوکش بر روی سرکها کشاند، "غنی" و بادارانش را متوجه ساخت که حد اقل جهت

فریب مردم و به خانه فرستادن آنها می باید نشان دهند، که به خواست آنها تمکین نموده اند، از همین رو "دوستم" را به کابل برگرداند.

۴- این برگشتن که خلاف خواست "گلبدین" و تعهداتی بود که وی با "غنی احمدزی" امضاء نموده بود، باعث عصبانیت و خشم "گلبدین" گردیده، از شهر خارج شده گویا در "چهار آسیاب" و دامنه های جنوبی "کوه قروغ" رفته، از آنجا حضورش را با فیر چند راکت اعلام داشت.

"گلبدین" با این عمل می خواهد به همه اعلام دارد: مسلمان کسی است که تابع و منقاد شخص خودش باشد، یعنی اگر "دوستم" دست بیعت به شخص خودش بدهد و "عضو شورای هماهنگی" گردیده در شهر کابل قتل عام به راه بیندازد، مسلمان است، هرگاه برای خود کار کند و یا متابعت از رقبای "گلبدین" نماید، نه تنها خودش کافر است، باشندگان مناطقی که با وی در عین فضاء تنفس می نمایند، نیز واجب القتل و مهدور الدم می باشند. چنین حکمیست که باران راکت دیروز بر افشار را توجیه می نماید.

**دیده شود چه می شود!!**